

تحلیل مشکلات و محدودیت‌های دامداران عشایر مورد: روستای توچال شهرستان پاکدشت در استان تهران

فاطمه رزاقی بورخانی*؛ دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سید محمود حسینی؛ استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۸/۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۹/۲۴

چکیده

دامداری سهم مهمی در توسعه روستایی و کشاورزی ایفا می‌نماید. این بخش، تولیدکننده غذا، ارتقاءدهنده سطح تولیدات زراعی و فراهم‌کننده خدمات و کالاهای اقتصادی مازاد و درآمد نقدی است. معمولاً دام به عنوان منبع اصلی تأمین سرمایه خانوارهای کشاورزی به حساب می‌آید. بنابراین توجه به عشایر توجه به تولید، ایجاد اشتغال و پایداری زندگی سالم است. مرتع در زندگی عشایر دارای اهمیت حیاتی است که می‌بایست ضمن افزایش ظرفیت مراتع، تناسب میان مرتع و دام، به نحو مطلوبی حفظ شود. توجه به حل مسائل و مشکلات دامداران عشایر بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه اگر دامداران به دلیل مشکلات عدیده‌ای مانند گرانی نهاده‌های تولید و علوفه‌های دامی از ادامه کار در این زمینه باز بمانند، زندگی روزمره همه اقشار جامعه با مشکلات بزرگ روبه‌رو می‌شود. در این تحقیق در صدد برآمده است تا با بهره‌گیری از پارادایم کیفی و نظریه بنیانی، به مطالعه مشکلات و محدودیت‌های دامداری عشایری در روستای توچال شهرستان پاکدشت بپردازد. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق، مشاهده مستقیم، یادداشت برداری، تهیه عکس و فیلم، اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. نتایج نشان داد که مشکلات و محدودیت‌های دامداران عشایر با استفاده از نظریه بنیانی در روستای توچال عبارت‌اند از موانع زیرساختی- نهادی، موانع مدیریت خانوادگی، موانع اقتصادی- مالی، محدودیت‌های ناشی از موقعیت اکولوژیکی- محیطی و زراعی، موانع حمایتی- پشتیبانی، موانع آموزشی- مهارتی، کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی. مطابق بررسی به عنوان یک مبنای کلی روستاییان و عشایر نقش اساسی و مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی، حفظ استقلال اقتصادی کشور و رونق اقتصادی دارند، و رسیدگی به مسائل و مشکلات روستاییان و عشایر و برطرف شدن مشکلات و محدودیت‌های آنان نقش مهمی در رشد تولید و توسعه اقتصادی کشور دارد.

واژگان کلیدی: مشکلات و محدودیت‌ها، دامداران عشایر، تئوری بنیانی، روستای توچال.

* Frazzaghi@ut.ac.ir

(۱) مقدمه

بر اساس تقسیم‌بندی رایج می‌توان نظام دامداری کشور را به دو بخش سنتی و جدید تقسیم کرد که در این نظام دامداری سنتی به دو بخش روستایی و عشایری تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، دامداری به شیوه‌ای روستایی، عشایری و صنعتی جدید، قالب اصلی نظام دامداری کشور را تشکیل می‌دهد. عشایر به کسانی اطلاق می‌شود که حداقل سه ویژگی داشته باشند: ساخت اجتماعی قبیله‌ای، اتکای معاش به دامداری و شیوه زندگی شبانی یا کوچ (میرامینی، ۱۳۸۴: ۵). دامداری کوچنده یا عشایری از قدیمی‌ترین شیوه‌های دامداری در ایران و آسیای میانه بوده است. از ویژگی‌های مهم آن، استقرار خانواده‌ها با گله‌های خود در اقلیم آب و هوایی متفاوت در طول یکسال است. بعضی مواقع فاصله حرکتی آنها به بیش از ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد؛ در این شیوه دام حداکثر تمام و حداقل نیمی از فواصل بهار و همچنین حداکثر تمام و حداقل دو ماه و نیم از فصل تابستان را در مراتع سردسیری (بیلاق) و حداکثر تمام و حداقل دو ماه از فصل پاییز و تمام فصل زمستان را در مراتع گرمسیر (قشلاق) به سر می‌برند (شوکت فدایی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

دامداری سهم مهمی در توسعه روستایی کشورهای جهان سوم ایفاء می‌نماید. این بخش، تولیدکننده غذا، ارتقادهنده سطح تولیدات زراعی و فراهم‌کننده خدمات و کالاهای اقتصادی مازاد و درآمد نقدی است. تلفیق دامداری در زراعت باعث ایجاد اشتغال پایدار سالیانه می‌شود. همچنین فروش تولیدات دامی سرمایه لازم را برای خرید نهاده‌های کشاورزی و به طور کلی هر گونه سرمایه‌گذاری در مزرعه فراهم می‌آورد. در اغلب اوقات دام به عنوان منبع اصلی تأمین سرمایه خانوارهای کشاورزی به حساب می‌آید (Steinfegd and Maek, 1995). از طرفی دام‌ها باعث بهبود خاک و پوشش گیاهی و تنوع زیستی دامی و گیاهی و پراکنده کردن بذور شده و از طریق سم‌های خود و پخش کود در مراتع باعث بهبود ترکیب گونه‌های گیاهی می‌شوند و با سله‌شکنی خاک از طریق پایمال یا لگدکوب کردن، به جوانه‌زنی بذر در مراتع کمک می‌کنند. به اعتقاد برخی کارشناسان، فقدان چرا، باعث تنوع زیستی می‌شود. زیرا بوته‌ها و درختان، سایبانی ایجاد می‌کنند که مانع رسیدن نور و رطوبت به مناطق پایین‌تر شده و در نتیجه یک جامعه گیاهی بیش از حد کنترل شده را به وجود آورده که به بحران‌های طبیعی حساستر خواهند بود. بنابراین باید به دنبال سیاست‌ها، نهادها و فناوری‌هایی بود که اثرات مثبت دامداری را افزایش و اثرات منفی آنرا بر محیط‌زیست کاهش دهد (De Haan et al, 1995).

پیش‌بینی می‌شود که جمعیت جهان تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۸ میلیارد نفر افزایش یابد. برآوردها نشان می‌دهد که درآمد سرانه حدود ۳ درصد در مناطق آمریکای لاتین و آفریقای جنوب صحرا، حدود ۶ درصد در آسیا رشد خواهد داشت. یکی دیگر از پدیده‌های مهم در دهه‌های اخیر، مهاجرت شدید جمعیت روستایی به مناطق شهری به ویژه در جهان در حال توسعه است. این روند باعث کاهش تعداد تولیدکنندگان و

افزایش تعداد مصرف‌کنندگان شده ترکیب تقاضای جهانی برای غذاهای پروتئینی به ویژه در جهان سوم را در پی داشته است (Dehaan et al, 1997). البته علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر انسان در زمینه تولید محصولات غذایی در سراسر جهان هنوز ۸۰ میلیون انسان از سوء تغذیه رنج می‌برند. به علاوه، با پیش‌بینی رشد و تعداد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، به اراضی جدید وسیعی نیاز می‌باشد که باید به تولید محصولات زراعی اختصاص یابند. از اینرو روند تحولات به سوی استفاده بیشتر از بقایای تولیدات زراعی و محصولات فرعی صنایع کشاورزی برای تأمین خوراک دام و جایگزینی آن با علوفه‌های مرتعی است (Sansoucy, 1995).

استان تهران دارای ۳ هزار و ۲۰۰ خانوار عشایری کوچ‌رو با ۱۸ هزار نفر جمعیت و ۷۳۰ هزار واحد دامی است که سالانه با تولید ۱۲ هزار تن گوشت قرمز ۴۰ درصد گوشت استان را تأمین می‌کند. عشایر تهران سالانه ۱۶ هزار تن شیر، ۱۲ هزار تن گوشت، ۱۴۷۰ تن فرآورده‌های لبنی، ۷۵۰ تن پشم و بخشی صنایع دستی مانند گلیم، جاجیم و سایر تولیدات عشایر را به بازار عرضه می‌کند (خبرگزاری اقتصادی ایران، ۱۳۸۸: ۱). از آنجایی که جامعه عشایری بعد از جامعه شهری و روستایی به عنوان جامعه سوم دارای ویژگی‌های خاص است. از این رو، برنامه‌ریزی و صرف اعتبارات نیز باید منطبق بر واقعیات موجود این جامعه باشد. شرایط خاص حاکم بر جامعه عشایری از جمله وجود طوایف و سران طوایف در سطوح مختلف حتی تا سطح خانواده و طایفه می‌تواند یک ویژگی مثبت جهت بسیاری از فعالیت‌ها نظیر ترویج بیمه دام باشد. معتمدان و وریش سفیدان و گیس سفیدان و بزرگان تیره و طایفه و ایل می‌توانند فعالیت‌های وسیعی را در این جامعه خلق کنند (میرامینی، ۱۳۸۴: ۳). نظام عشایری از بعد اقتصادی با بهره‌برداری از اراضی حاشیه‌ای، برای اقتصاد ملی یک فرصت تلقی می‌شود که موجب افزایش درآمد ملی، صرفه جویی ارزی و اشتغال بخشی از جمعیت کشور می‌گردد (ضیاء توانا و توکلی، ۱۳۸۶: ۳۳).

امروزه حفظ محیط‌زیست یکی از عوامل مشکل‌ساز برای عشایر و دام‌های‌شان محسوب شده چرا که به دلیل اینکه تصور می‌شود دام‌های‌شان محیط زیست را نابود می‌کند و در نتیجه بسیاری از مسیرهای چرای دام‌ها و مسیرهای کوچ عشایر از قشلاق به بیلاق مسدود شده است. در صورتی که عشایر خود در طول تاریخ به سمت کشاورزی پایدار و حفظ محیط‌زیست گام برداشته‌اند و تنها به منافع آنی توجه نکرده و حفظ مراتع برای سال‌های آتی برای چرای دام‌های‌شان بسیار مهم بوده است. پس می‌بایست به اهمیت مشارکت و دانش بومی عشایر در حل مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار توجه کرد. اهمیت دانش بومی به طور روز افزونی به منظور شناسایی روش‌های مداخله پایدار برای حفظ محیط‌زیست که در ارتباط با توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع محلی است درک می‌شود (Chandrasekhar et al., 2006).

۲) مبانی نظری

قنبری (۱۳۶۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان بهره‌وری در نظام دامداری عشایری برخی مشکلات عشایر را کمبود آبشخورهای بهداشتی، کمبود علوفه، کمبود دامپزشک، برهم خوردن تعادل دام و مرتع، افزایش سرعت کوچ، از بین رفتن مراتع میان بند بیان نمود. در سال ۱۳۶۶ نمایندگان عشایر در نامه‌های به مقامات وزارت کشور، مهم‌ترین مشکلات و مسائل در زمینه دام و مرتع را به ترتیب شامل ۱) مسائل مربوط به مراتع مانند تسخیر و تخریب مراتع توسط روستاییان و عشایر همجوار، ارائه پروانه چرای دام، کمبود مراتع، ۲) مسائل زمان کوچ: نبود یا کمبود ایل راه، کمبود وسایل نقلیه، مشکل روستاییان در مسیر کوچ و تنظیم زمان کوچ، ۳) مشکلات دامداری، کمبود علوفه و دارو بیان نموده‌اند (حیاتی، ۱۳۷۰). امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۰) عمده‌ترین موانع و مشکلات عشایر را شامل کمبود سرمایه، کمبود وسایل حمل و نقل و صعب‌العبور بودن مناطق برای کالارسانی، فقر اطلاعاتی، بی‌سوادی و ضعف فرهنگی، نبودن تعاونی‌های تولید، نبودن بازار مناسب برای خرید و فروش کالاهای عشایری بیان نموده است. در بررسی جامعه عشایری ایل قشقایی که در سال ۱۳۷۲ صورت گرفت، مشکلات دام و مرتع‌های ایل به صورت زیر بیان شده است: خرد شدن گله‌های بزرگ به گله‌های کوچک، افزایش نرخ نهاده‌های دامی، خشکسالی متوالی و فقر مراتع، نبود و کمبود امکانات دامپزشکی، بهداشتی و تغذیه‌ای دام، نبود محل‌های مناسب برای ارائه فرآورده‌های دامی، ظرفیت محدود مکان‌های خرید دام، توسعه روزافزون جاده‌ها و شهرسازی، بیماری‌های مسری و در نتیجه کمبود امکانات پزشکی، ضعف شدید در ارائه حمایت‌های مالی، خدمات آموزشی ترویجی دولت به عشایر، مشکل کمبود وسایل ارتباطی و حمل و نقل دام در هنگام کوچ، کمبود و گرانی نیروی کار به ویژه چوپان، کمبود آب و آبشخور، رسوخ واسطه‌ها در اقتصاد کشور (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲). امان‌اللهی بهاروند در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۶ در تحقیقات خود مسائل و مشکلات عشایر کوچنده ایران را مورد بررسی قرار داد و مطابق نتایج مواردی مانند کمبود مرتع، کمبود داروگرانی آن، مسدود شدن برخی از ایل راه‌ها به دلایلی از جمله گسترش شهرها و روستاها، قرارگرفتن در مناطق ممنوعه محیط زیست و یا پادگان‌های نظامی، بروز خشکسالی، کمبود نیروی انسانی به دلیل تحصیل و یا اشتغال جوانان عشایر به کارهایی غیر از دامداری، کمبود آب، مشکلات بهداشتی مانند عدم دسترسی به پزشک و درمانگاه را مطرح کرده‌اند. ملک محمدی و شفیعی علویچه در سال ۱۳۷۹ در تحقیقی تحت عنوان تفاهم سنجی عشایر و مسئولان اجرایی، آموزشی، ترویجی و پژوهشی نسبت به مشکلات امور دام و منابع طبیعی در استان اصفهان پرداخته‌اند که مطابق بررسی ضریب تفاهم نظرات عشایر و مسئولان در زمینه مشکلات و مسائل مربوط به دامداران عشایر بالا است که نشان دهنده آگاهی مسئولان از مسائل و مشکلات عشایر بوده است.

مهم‌ترین مشکلات مطرح شده با تفاهم و اشتراک عقیده میان عشایر و مسئولان در منطقه ییلاق و قشلاق مشکلات و مسائل مربوط به نیروی کار، بهره‌برداری مراتع توسط روستاییان، وضعیت علوفه مراتع، تأمین سوخت فسیلی، دسترسی به علوفه دستی، بذرکاری مراتع، قرق مراتع، آبشخورهای بهداشتی، فروش تولیدات دامی، دسترسی به دامپزشک، بیماری‌های دامی، قیمت علوفه دستی، تبدیل و نگهداری تولیدات دامی، کاهش سطح مراتع، خشکسالی، زیادی دام در مرتع، واکسیناسون دام‌ها، تهیه داروهای دامی، قیمت داروهای دامی، بچه‌اندازی دام‌ها، مالکیت مراتع، پروانه چرا، وضعیت نژاد دام‌ها، وضعیت مراتع میان‌بند، تأمین آب شرب دام، حمام‌های ضد کنه است (ملک محمدی، شفیع‌علویجه، ۱۳۷۹: ۵۳).

صالحی در سال ۱۳۸۳ در مطالعه‌ای به بررسی موانع و مشکلات طرح انتقال دامداری‌ها به خارج شهرها و ارائه راهکارهای مناسب در استان اصفهان پرداخت که موانع و مشکلات را به صورت قانونی و اداری، مشکلات فنی و مشکلات مربوط به بهره‌برداران تقسیم‌بندی نموده است. مشکلات مربوط به بهره‌برداران مانند عدم آگاهی دامداران، ناتوانی مالی بهره‌برداران، امید زیاد به دولت، کم سواد و کهنوت سن، مشکلات فنی شامل کمبود منابع آب، کمبود زمین، مشکل تأمین علوفه، مشکل کنترل بیماری‌های دام، افزایش هزینه‌های تولید و مشکلات قانونی و اداری به عنوان مثال ناچیز بودن اعتبارات دولتی، وجود نظام دامپروری ناکارآمد و مشخص نبودن میزان و نحوه مشارکت دامداران، فقدان سیاست مدون درازمدت توسعه دامپروری بوده است (صالحی، ۱۳۸۳: ۷۹).

مطابق تحقیق میرامینی با عنوان بررسی روش‌های بیمه دام در مناطق عشایری استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه دامداران عشایر، مسائل و مشکلات خاص جامعه عشایری مانند پراکندگی و صعب‌العبور بودن نقاط عشایری، زندگی متحرک (کوچ نشینی) و سطح سواد عشایر بر میزان ترویج بیمه دام مؤثر است. پاسخگویان بیمه دام را یکی از راهکارهای رفع موانع و مشکلات عشایر مطرح نموده‌اند که از موانع و مشکلاتی موجود در عدم پذیرش بیمه دام را در (۱) عدم اطلاع‌رسانی از رسانه‌های گروهی و (۲) کاهش میزان آگاهی عشایری از فواید بیمه و (۳) وضعیت اقتصادی عشایر مانند فقر مالی و نداشتن نقدینگی مطرح نموده‌اند که رفع این موانع از جمله عوامل مؤثر بر رغبت عشایر به بیمه دام است. همچنین، نقش مشارکت اجتماعی عشایر در بیمه دام مورد تحلیل قرار گرفته است که معتمدان و ریش‌سفیدان و رهبران محلی نقش بسیار مهمی در ترویج فعالیت‌های جدید از جمله بیمه دام در مناطق عشایری دارند. گیس سفیدان زن، فروشندگان محلی مناطق عشایری، مروجان امور عشایری و مروجان محلی به عنوان عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی دامداران عشایر هستند (میرامینی، ۱۳۸۴: ۳). حسینی و اسفندیاری در مطالعه‌ای به بررسی توانمندی‌ها و مشکلات زنان و دختران عشایر ایل هداوند منطقه ورامین پرداختند و مسائل، مشکلات و توانمندی‌های زنان و دختران عشایر و ارائه راه‌حل‌های مناسب

برای افزایش توانمندی آنها را بررسی کردند و ارتباط میان آداب و رسوم رایج در این جامعه و نیز بی‌سوادی زنان عشایر با میزان عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی آنان مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دادند که مطابق تحقیق زنان عشایر نقش بسزایی در زندگی عشایری ایفا می‌کنند و بدون دستمزد، به فعالیت‌های تولیدی اشتغال داشته و ارزش افزوده حاصل از تولید خود را بدون چشم‌داشت، صرف مخارج روزمره زندگی می‌کنند ولی دچار موانع و محدودیت‌های بسیار برای حضور و مشارکت اجتماعی و اقتصادی بوده، اساساً فاقد قدرت اجتماعی هستند (حسینی و اسفندیاری، ۱۳۸۹). فروزان کمبود اعتبارات، خشکسالی، پائین بودن قیمت دام و تأمین نهاده‌های دامی را جزء مشکلات اساسی عشایر دانست (فروزان، ۱۳۹۳: ۱).

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، توسعه‌ای و کاربردی و از نظر پارادایم^۱ در گروه تحقیقات کیفی^۲ قرار می‌گیرد. برای تحلیل داده‌ها از نظریه بنیانی^۳ استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه اهالی روستای توچال بوده است. برای حجم نمونه به وسیله روش گلوله برفی^۴ و روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است به این معنی که به منظور آشنایی با مطلعان کلیدی به اداره امور عشایری شهرستان پاکدشت مراجعه گردید، تعدادی از خبرگان محلی توسط این اداره معرفی گردیدند و بعد با مراجعه به این افراد هر کدام چند مطلع دیگر را معرفی کردند و به عنوان اعضای نمونه انتخاب شده‌اند و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع ادامه یافت. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق، مشاهده مستقیم، تهیه عکس و فیلم، مدارک و اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شد. روایی این پژوهش از طریق مصاحبه با کارشناسان امور عشایری و خبرگان محل مورد تأیید قرار گرفت. به طور کلی مدل استقرایی تحقیق در یک مطالعه کیفی شامل مراحل زیر است:

- محقق اطلاعات را گردآوری می‌کند؛
- محقق سؤالاتی را مطرح می‌کند؛
- محقق طبقات را شکل می‌دهد؛
- محقق در پی تئوری‌هایی است؛ و
- محقق یک تئوری را توسعه می‌دهد و با سایر تئوری‌ها مقایسه می‌کند (Creswell, 1994).

¹ Paradigm

² Qualitative research

³ Grounded theory

⁴ Snowball

در روش تئوری زمینه‌ای، پژوهشگر با جمع‌آوری اطلاعات تفضیلی از شرکت‌کنندگان شروع و سپس این اطلاعات را به شکل مقوله‌ها یا مضامین در می‌آورد. این مضامین در قالب الگوهای کلی، نظریه‌ها یا تعمیم‌های تدوین شده و سپس با تجربه‌های شخصی یا پیشینه و ادبیات موجود درباره موضوع مقایسه می‌شوند. تدوین مضامین و مقوله‌ها در قالب الگوها، نظریه‌ها یا تعمیم‌ها حاکی از آن است که مطالعات کیفی می‌توانند پایان متفاوتی داشته باشند (کرسول، ۲۰۰۹). عناصر تئوری بنیانی شامل: سه عنصر اصلی می‌باشند: **مفاهیم** اساسی ترین واحدهای تحلیل هستند که از طریق مفهوم سازی داده‌ها حاصل می‌شود. **طبقات** نسبت به مفاهیم در سطح بالاتری قرار می‌گیرند و از فشردگی و تراکم بیشتری برخوردار هستند. طبقات از طریق فرآیند تحلیل مقایسه‌ای که منحصر به مشخص شدن شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌گردد، حاصل می‌شود که در واقع سنگ‌زیربنای تئوری مورد نظر به حساب خواهند آمد و ابزاری هستند که تلفیق آنها تئوری را به وجود می‌آورد. **ضمائم** بیانگر تعمیم بخشی ارتباط بین یک طبقه و مفاهیم مربوطه به آن و نیز بین طبقه‌های مجزا است. از این رو، در راستای تئوری زمینه‌ای پنج مرحله سپری شده است.

مرحله اول، طرح تحقیق: منظور از طرح تحقیق، سؤال و محدوده تحقیق است. این سؤال تحقیق است که پدیده مورد بررسی و روش تحقیق را مشخص می‌سازد. تمرکز سؤال تحقیق بر این است که این پدیده چیست؟ در عین حال این سؤال باید انعطاف‌پذیری و آزادی لازم برای ژرف‌کاوی پدیده را فراهم آورد. لازمه طبیعت نظریه بنیانی این است که محقق با پیشرفت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، سؤال تحقیق را اصلاح کند (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش سؤال کلی تحقیق این است: مشکلات و محدودیت‌های دامداران عشایر کدام است؟ در تحقیق حاضر محدوده تحقیق روستای توچال از توابع بخش مرکزی شهرستان پاکدشت در استان تهران است و جامعه مورد مطالعه اهالی روستای مذکور. نظریه بنیانی نوعی تحقیق در عرصه است. محیط این تحقیق مکان‌هایی است که در آنها امکان دسترسی به مشارکت‌کنندگان در پژوهش وجود داشته باشد.

مرحله دوم، گردآوری داده‌ها: این تحقیق علاوه بر استفاده از مصاحبه عمیق، مشاهده مستقیم و غیرمشارکتی، یادداشت‌برداری و بحث گروهی، روش‌هایی مانند تهیه عکس و فیلم، مدارک و اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی نیز به عنوان روش‌های تکمیلی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر، محقق با مطالعه اولیه و پرس‌وجو در مورد روستاهای مورد هدف، اقدام به شناسایی افراد اصلی و مطلع نمود. در این مرحله، کار جمع‌آوری اطلاعات اولیه با ورود به میدان تحقیق آغاز شد که به دنبال نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفته است. مصاحبه از افراد اصلی که به روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند تا زمانی ادامه داشت که پاسخ‌های نفر آخر با نفر اول یکی می‌شد و به عبارتی پاسخ‌ها تکرار می‌شدند و هنگامی

که پژوهشگر در پاسخ به سؤالات به اشباع تئوریک می‌رسید، مصاحبه را پایان می‌داد و با مشاهده و قدم زدن در روستا بخشی از صحت اطلاعات را تأیید و مجدد نقاط ضعف و قوت فعالیت خود را بررسی می‌کرد. این شیوه نمونه‌گیری و محدود نبودن تعداد نمونه‌ها، از ویژگی‌های منحصر به فرد تحقیق کیفی است که پژوهشگر را آزاد می‌گذارد تا آنجا که به اشباع تئوریک نرسیده است، کار نمونه‌گیری را ادامه دهد. این استمرار مراجعه به نمونه‌های جدید تا آخرین قدم در تدوین نظریه و یا الگوی مورد مطالعه می‌تواند ادامه پیدا کند (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۸).

مرحله سوم، تنظیم داده‌ها: هدف از این مرحله، آشنا ساختن پژوهشگر با داده‌ها بوده است. این مرحله موجب می‌شود که اولین اندیشه‌ها در ذهن پژوهشگر شکل گیرد و وی درکی ابتدایی از موضوع به دست آورد. در این مرحله پژوهشگر همه داده‌ها را مرور می‌کند و در این بین به چیزهایی جالب و شاخص توجه می‌کند و آگاه‌تر می‌شود (Mehmetoglu, 2006). داده‌های خام، دست‌نویس‌ها، یادداشت‌های میدانی و تصاویر به صورت همه جانبه مرور، بررسی و مورد مطالعه قرار می‌گیرد و یک دید کلی از اطلاعات و داده‌ها به دست می‌آید. در این مرحله ثبت داده‌ها با ایجاد و توسعه مفاهیم، طبقات و ضامم یک فرآیند تکرارپذیر است.

مرحله چهارم، تجزیه و تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها مرکز ثقل تئوری بنیانی است. در این زمینه ایجاد و ساخت مفاهیم از طریق فرآیند کدگذاری حائز اهمیت است. کدگذاری بیانگر عملیاتی است که داده‌ها تجزیه و شکسته می‌شود، مفهوم‌سازی شده و مجدداً در قالب راهای جدید سامان می‌گیرد. این عمل اصلی‌ترین فرآیند برای ساخت تئوری از داده‌ها است. منظور از کدگذاری، اختصاص دادن نزدیک‌ترین مفهوم به کوچک‌ترین جزء با معنی هر بخش از داده گردآوری شده است به طور کلی هر مفهوم دارای ابعاد است و هر بعد نیز دارای طیف است. مثلاً متن یک مصاحبه (هر جمله یا کلمه ای که در برگزیده یک مفهوم قابل درک باشد، می‌توان مبنای انتخاب یک کد باشد). هنر محقق در این قسمت، برقراری پیوند بین داده‌های گردآوری شده و مفاهیمی که می‌شناسد و نیز ابداع و تعریف مفاهیم تازه. سه شکل از کدگذاری وجود دارد: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳.

اهالی روستاهای منطقه جاجرود مانند روستای توچال که از توابع بخش مرکزی شهرستان پاکدشت و از روستاهای قدیمی استان تهران است، از نظر پیشینه الگوی زیست و شیوه‌های سکونت و سوابق حیات اقتصادی - اجتماعی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروهی که شامل بازماندگان عشایری است و در حکومت رضا شاه از استان‌های دیگر کشور به این منطقه کوچ داده شده‌اند. این گروه دارای منشأ قبیله‌ای

¹ Open Coding

² Axial Coding

³ Selective Coding

و عشایری هستند و در مواردی چون نگهداری و چرای دام و رمه‌گردانی دارای اشکالی از فعالیت‌های محلی است. این گروه از خانوارها در بخشی از سال در بیلاقات لار زندگی می‌کنند و برای نگهداری و حفاظت از دام‌ها در شب و همچنین بهره‌برداری از مراتع در گروه‌های ۳ تا ۵ خانواری به نام ایشوم متشکل می‌شوند. اگر چه این نوع همکاری بین خانوارها در خارج محدوده مورد مطالعه انجام می‌گیرد؛ زیرا دام‌ها عمدتاً متکی به علوفه دستی و پس چرا مزارع است و به علاوه هر خانوار بهره‌بردار در مرتع خود را در چارچوب پروانه چرای دام به گونه‌ای سازمان می‌دهد که برای تأمین غذای دام‌های خود در فصول پاییز و زمستان با مشکل جدی روبرو نشود، در دیگر فعالیت‌ها چون زراعت و باغداری سازمان اجتماعی کار جمعی و مشارکت چندان وجود ندارد. در بین این گروه از روستاها می‌توان به روستاهای توچال، لپه زنگ و توتک اشاره کرد. گروه دیگر از روستاها عمدتاً دارای جمعیت مهاجر هستند و کشت و کار و دامداری اندکی دارند و به علاوه همکاری و معاضدتی در زمینه فعالیت‌های تولیدی ندارند (پاما، ۱۳۸۶). در میان عشایر روستای توچال سیستم چرای آزاد و قرق به میزان کمتر برای تعلیف دام استفاده می‌شود و گله آزاد است بدون هیچ محدودیتی به هر قسمت مرتع به منظور علف‌چری برود. در قرق دامداران با قرار دادن علائمی نظیر مترسک و یا چیدن چند سنگ، محدوده‌ی غیرقابل چرا برای سایر دامداران را مشخص می‌کنند. در این محدوده هیچ کس حق چرای دام ندارد و در صورت چرا، گاه درگیری‌های شدیدی نیز پیش می‌آید، به این عمل قرق گویند که هدف از آن جلوگیری از ورود دام به مرتع در زمان گلدهی است، زیرا در صورت چرا چندان بذری برای سال آینده در مرتع باقی نخواهد ماند و موجبات زوال و از بین رفتن مرتع فراهم می‌گردد. در میان عشایر روستای توچال انواع مراتع بر حسب فصل بهره‌برداری به این صورت وجود دارد: (۱) پاییزه خور: دشت ورامین و پاکدشت از ۱۵ شهریور تا اواسط آبان ماه به صورت اجاره مراتع برای چرای دام. (با توجه به اینکه این دشت‌ها متعلق به کشاورزان است که به زراعت می‌پردازند، این عشایر خود فاقد زمین کشاورزی بوده و می‌بایست هزینه اجاره مراتع را بپردازند که مشکل توافق با کشاورزان در زمینه قیمت اجاره وجود دارد و نیز در این مزارع دام‌های عشایر با مشکل کم آبی مواجه‌اند که باید آب موردنیاز دام‌های‌شان را بخرند و چشمه و قنات و آبخور برای دام‌ها وجود ندارد به خاطر احداث سد ماملو آب این منطقه به سدها می‌رود). (۲) زمستانه خور: این مراتع، همان مراتع قشلاقی هستند که در فصل زمستان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. از اواسط یا اواخر آبان ماه عشایر هداوند دام خود را به روستای توچال می‌آورند. (۳) بهاره خور: مراتع بهار چرای عشایر هداوند که دام‌های خود را به صورت یکپارچه و با اعلان دولت حدود ۶۰ تا ۷۰ روز بعد از عید و تقریباً ۱۵ خرداد به منطقه بیلاقی لار می‌برند و تا ۱۵ شهریور در لار هستند. مشکلی که در زمان انتقال دام به لار وجود دارد این است که بهتر است دولت زمان کوچ به منطقه بیلاقی را با مشارکت کشاورزان هماهنگ کند چرا که

در سال‌های مختلف به دلیل بارندگی زیاد و یا خشکسالی (تغییرات آب و هوایی) این زمان نمی‌تواند ثابت باشد چرا که اگر دیرتر به منطقه ییلاقی روند، امکان دستیابی دام‌ها به علف‌های تازه و بهار چری تا قبل از گل‌دهی وجود ندارد و ممکن است علف‌ها حالت تازه خوری را نداشته و سوخته شود.

قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ و ملی شدن مراتع، عشایر به طور سنتی در مراتع حق چرا داشتند و مالکیت در اختیار خوانین روستا و سران عشایر بود که یا رؤسا از آن بهره‌برداری می‌کردند و یا با دریافت حق علف‌چر، آن را در اختیار سایر دامداران قرار می‌دادند. در این شیوه، مالکی مرتع را در اختیار دامدارانی قرار می‌داد که گله خود او را به همراه داشتند و در نتیجه از گرفتن حق تعلیف صرف‌نظر می‌شد و یا در صورتی که به سایر دامداران واگذار می‌شد، حق تعلیف را که شامل گوسفند، روغن و پول نقد بود، دریافت می‌کرد. بعد از انقلاب حق علف‌چرا فقط به عشایری که بیکار بودند و شغلی جز دامداری نداشتند، داده شد. بسیاری از دامداران که فوت کردند این امتیاز به صورت موروثی به فرزندانش واگذار گردید در حالی که بسیاری از آنها به شغل دامداری نمی‌پردازند و این امتیاز را اجاره می‌دهند و امروزه یکی از مشکلات دامداران عشایر نداشتن امتیاز چرای دام است.

۴) یافته‌های تحقیق

کدگذاری باز: محقق با به کارگیری سیستم کدگذاری باز، خط به خط داده‌ها را بازنگری می‌کند و پس از تشخیص فرایندهای آن، به هر جمله کد می‌دهد. او می‌کوشد تا حداکثر کدهای ممکن را تشخیص دهد تا مطمئن گردد که کاملاً اطلاعات را بررسی کرده است. بهتر است کدها در حاشیه صفحه نوشته شوند تا یافتن آنها ساده باشد. در حقیقت کدگذاری باز بیانگر رویدادهای قطعی پدیده‌ها هستند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۵۹). پژوهشگر در این مرحله تلاش کرد که بعد از نوشتن مطالب درک خودش را از آنها نشان دهد و ارتباط بین آنها را بفهمد. در پژوهش حاضر برای انجام کدگذاری باز، پژوهشگر یادداشت‌های میدانی را مرور کرد و پس از استخراج جملات اصلی آنها، اجزای مشابه و معنی‌دار مباحث را به صورت کدهایی ثبت کرد، که جمعاً به ۶۵ مورد رسید (جدول ۱) و برای هر کدام از نکات اصلی و محوری یک کد انتخاب شد. بدین ترتیب نکات اصلی و محوری حاصل با کدهای زیر مشخص شد.

جدول شماره (۱): مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

کد	مفاهیم	ردیف
M1	کمبود یا فقدان کلینیک‌های درمانی و تخصصی دام در منطقه بیلاق و قشلاق	۱
M2	مشکل دسترسی و توزیع به موقع نهاده‌ها و داروهای دامی	۲
M3	مشکل عدم دسترسی آسان به دامپزشک‌های متخصص	۳
M4	تلفات بیش از حد دام به دلیل کمبود دامپزشک برای دامداران سنتی	۴
M5	مسدود شدن مسیر کوچ عشایر به دلیل احداث سد ماملو (گذرگاه عبور عشایر)	۵
M6	واگذاری بیشتر مراتع عشایری به منابع طبیعی و کمبود ظرفیت مراتع موجود	۶
M7	انسداد مسیر کوچ عشایر به دلیل شرکت‌های جاده‌سازی و احداث اتوبان در مسیر ایل‌راه‌های عشایر	۷
M8	عدم احداث پل روگذر یا زیرگذر در مسیر جاده تردد دام	۸
M9	مشکلات مسیر رفت و آمد دام‌ها و چرای دام‌ها به دلیل وجود منطقه نظامی و پادگان نظامی	۹
M10	از بین رفتن چراگاه دام‌ها بوسیله پارک ملی سرخ حصار و قرق منابع طبیعی و محیط‌زیست	۱۰
M11	نبود جاده و مسیر مناسب برای حمل و نقل دام	۱۱
M12	ساخت و ساز مسکن مهر در مسیر چراگاه‌های دام	۱۲
M13	عدم لایروبی زیرگذرهای احداثی	۱۳
M14	ممانعت منابع طبیعی از ورود عشایر بدون پروانه چرای دام به مراتع در هنگام بیلاق	۱۴
M15	حفظ محیط‌زیست به چه قیمتی؟	۱۵
M16	فکر جایگزین برای حفظ دام و عشایر و کوچ باشند، ما چکار کنیم؟	۱۶
M17	عدم رغبت جوانان روستایی از شغل پدر (دامداری)	۱۷
M18	نیاز به نیروی کار خانوادگی زیاد و همکاری همه اعضای خانواده	۱۸
M19	عدم توانایی دامدار در نگهداری دام و مجبور به گرفتن چوپان	۱۹
M20	تغییر معیشت و اسکان عشایر	۲۰
M21	مهاجرت جوانان از روستا به شهر به دلیل ادامه تحصیلات	۲۱
M22	پایین بودن سطح رفاه و درآمد زندگی	۲۲
M23	ریسک‌پذیری پایین دامداران	۲۳
M24	افزایش قیمت علوفه	۲۴
M25	بالا بودن هزینه رفت و آمد خانواده عشایر به منطقه بیلاقی	۲۵
M26	نوسانات شدید قیمت محصولات دامی	۲۶
M27	بالا بودن هزینه نگهداری دام و حقوق چوپان برای گله	۲۷
M28	هزینه انتقال دام به بیلاق به وسیله ماشین	۲۸
M29	کمرنگ شدن محصولات محلی و سنتی و تقاضای پایین آن به دلیل توسعه زندگی شهری	۲۹
M30	خرید علوفه با قیمت آزاد	۳۰
M31	تغییرات شدید آب و هوایی	۳۱
M32	افزایش سرعت انتقال از قشلاق به بیلاق و نیاز به علوفه بیشتر برای تغذیه دام به خاطر حذف میان‌بندها	۳۲
M33	کاهش منطقه چرای دام	۳۳
M34	نداشتن زمین زراعی و کشاورزی برای کشت علوفه	۳۴
M35	مشکلات کمبود آب برای زراعت جهت تهیه علوفه دام	۳۵
M36	نبود آب برای دام‌ها	۳۶
M37	وابستگی به علوفه دستی و پس‌چر و یا پسماندهای مزارع	۳۷
M38	مشارکت پایین دامداران عشایر در حل مشکلات عمومی	۳۸
M39	عدم وجود تعاونی دامداران	۳۹
M40	عدم هماهنگی و همکاری بین دولت و دامداران عشایر در تنظیم برنامه زمانی استفاده از مراتع و زمان کوچ	۴۰
M41	بومی نبودن مسئولان عشایری و منابع طبیعی و آشنا نبودن با مسائل دامداران عشایر	۴۱
M42	تصرف میان‌بندها توسط کشاورزان	۴۲
M43	موروثی شدن پروانه چرای دام	۴۳
M44	برنامه‌ها و سیاست‌های دولت از عدم حمایت لازم و کافی از عشایر	۴۴
M45	کمبود خدمات پشتیبانی و امنیتی برای عشایر	۴۵
M46	عدم عرضه مستقیم علوفه توسط دولت و عرضه آن توسط دلان	۴۶
M47	عدم خرید تضمینی محصولات لبنی و گوشتی	۴۷

ادامه جدول شماره (۱): مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفاهیم	کد
۴۸	خرید دام عشایر توسط دلالان	M48
۴۹	نبود صندوق حمایت از دامداران عشایر	M49
۵۰	نداشتن تضمین‌های مناسب برای دریافت وام	M50
۵۱	عدم صدور چهار چوپ پروانه چرای دام برای جوانان عشایر دامدار	M51
۵۲	عدم تحقق وعده‌های مسئولان در مورد حل مسایل عشایر و اشتغال آنها و نیز پروانه چرای دام‌ها	M52
۵۳	عدم نظارت و پیگیری مسئولان به برنامه‌های رفع مشکلات عشایر	M53
۵۴	سود بالا بر تسهیلات بانکی به عشایر	M54
۵۵	پایین بودن قیمت فرآورده‌های لبنی و گوشت به دلیل فروش آن به واسطه‌ها و دلالان	M55
۵۶	عدم حمایت دولت در پرداخت وام و تسهیلات با سود پایین برای عشایر	M56
۵۷	کمبود دانش، تخصص و مهارت فنی در در زمینه به نژادی دام و اصلاح نژاد	M57
۵۸	عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه دامداری و بیماری‌های دام و... توسط مراکز خدمات کشاورزی و مراکز خدمات عشایری	M58
۵۹	نداشتن وسیله نقلیه برای نقل و مکان ار بیلاق به قشلاق و برعکس	M59
۶۰	کمبود حمام خورشیدی برای عشایر در منطقه بیلاقی لار	M60
۶۱	کمبود چراغ روشنایی در کنار چادرهای عشایر	M61
۶۲	کمبود سرویس‌های بهداشتی برای منطقه بیلاقی لار	M62
۶۳	کمبود خدمات درمانی و پزشکی به عشایر کوچنده	M63
۶۴	مشکل آب شرب در مناطق بیلاقی	M64
۶۵	دوری منطقه بیلاقی به بازار فروش محصولات لبنی	M65

کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، طبقات تشکیل شده توسعه می‌یابند و هر طبقه شامل زیرطبقه‌هایی خواهد شد و ارتباط هر یک از آنها نیز مشخص می‌شود. لازمه مرحله کدگذاری محوری مقایسه دائمی داده‌ها است. پژوهشگر، داده‌های کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه می‌کند و به صورت خوشه‌هایی که با هم تناسب دارند، در می‌آورد و کدهای مشابه را در یک طبقه قرار می‌دهد (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶). در این مرحله پژوهشگر، کدها و دسته‌های اولیه‌ای را که در کدگذاری باز ایجاد کرده بود، با موارد مشابه ادغام کرده و ارتباط بین خرده طبقه‌ها را مشخص می‌سازد و طبقاتی با مفاهیم جدید تشکیل می‌دهد (جدول ۲).

جدول شماره (۲): طبقات گسترده و خرده طبقات حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

طبقات گسترده	کد	مفاهیم (کدها) - (خرده طبقات)
موانع زیرساختی - نهادی	۱	کمبود یا فقدان کلینیک‌های درمانی و تخصصی دام در منطقه بیلاق و قشلاق
	۲	مشکل دسترسی و توزیع به موقع نهاده‌ها و داروهای دامی
	۳	مشکل عدم دسترسی آسان به دامپزشک‌های متخصص
	۴	تلفات بیش از حد دام به دلیل کمبود دامپزشک برای دامداران سنتی
	۵	مسدود شدن مسیر کوچ عشایر به دلیل احداث سد ماملو (مسدود شدن گذرگاه عبور عشایر)
	۶	واگذاری بیشتر مراتع عشایری به منابع طبیعی و کمبود ظرفیت مراتع موجود
	۷	انسداد مسیر کوچ عشایر به دلیل شرکت‌های جاده‌سازی و احداث اتوبان در مسیر ایل‌راه‌های عشایر
	۸	عدم احداث پل روگذر یا زیرگذر در مسیر جاده تردد دام
	۹	مشکلات مسیر رفت و آمد دام‌ها و چرای دام‌ها به دلیل وجود منطقه نظامی و پادگان نظامی
	۱۰	از بین رفتن چراگاه دام‌ها بوسیله پارک ملی سرخ حصار و قرق منابع طبیعی و محیط‌زیست
	۱۱	نبود جاده و مسیر مناسب برای حمل و نقل دام
	۱۲	ساخت وساز مسکن مهر در مسیر چراگاه‌های دام
	۱۳	عدم لایروبی زیرگذرهای احداثی
	۱۴	ممانعت منابع طبیعی از ورود عشایر بدون پروانه چرای دام به مراتع در هنگام بیلاق
	۱۵	حفظ محیط زیست به چه قیمتی؟
	۱۶	فکر جایگزین برای حفظ دام و عشایر و کوچ باشند، ما چکار کنیم؟
موانع مدیریتی خانوادگی	۱	عدم رغبت جوانان روستایی از شغل پدر (دامداری)
	۲	نیاز به نیروی کار خانوادگی زیاد و همکاری همه اعضای خانواده
	۳	عدم توانایی دامدار در نگهداری دام، کهولت سن، مجبور به گرفتن چوپان
	۴	مهاجرت جوانان از روستا به شهر به دلیل ادامه تحصیلات
	۵	تغییر معیشت و اسکان عشایر
موانع اقتصادی - مالی	۱	پایین بودن سطح رفاه و درآمد زندگی
	۲	ریسک‌پذیری پایین دامداران
	۳	افزایش قیمت علوفه
	۴	بالا بودن هزینه رفت و آمد خانواده عشایر به منطقه بیلاقی
	۵	نوسانات شدید قیمت محصولات دامی
	۶	بالا بودن هزینه نگهداری دام و حقوق چوپان برای گله
	۷	هزینه انتقال دام به بیلاق به وسیله ماشین
	۸	کمرنگ شدن محصولات محلی و سنتی و تقاضای پایین آن به دلیل توسعه زندگی شهری
	۹	خرید علوفه با قیمت آزاد
موقعیت اکولوژیکی و محیطی و زراعی	۱	تغییرات شدید آب و هوایی
	۲	افزایش سرعت انتقال از قشلاق به بیلاق و نیاز به علوفه بیشتر برای تغذیه دام به خاطر حذف میان بندها
	۳	کاهش چرای دام
	۴	نداشتن زمین زراعی و کشاورزی برای کشت علوفه
	۵	مشکلات کمبود آب برای زراعت جهت تهیه علوفه دام
	۶	نبود آب برای دام‌ها
	۷	وابستگی به علوفه دستی و پس چر و یا پسماندهای مزارع

ادامه جدول شماره (۲): طبقات گسترده و خرده طبقات حاصل از مفاهیم (کدگذاری محوری)

طبقات گسترده	کد	مفاهیم (کدها) - (خرده طبقات)
وضعیت اجتماعی - مشارکتی	۱	مشارکت پایین دامداران عشایر در حل مشکلات عمومی
	۲	عدوم وجود تعاونی دامداران
	۳	عدم هماهنگی و همکاری بین دولت و دامداران عشایر در تنظیم برنامه زمانی استفاده از مراتع و زمان کوچ
	۴	بومی نبودن مسئولان عشایری و منابع طبیعی و آشنا نبودن با مسائل دامداران عشایر
	۵	تصرف میان‌بندها توسط کشاورزان
	۶	موروثی شدن پروانه چرای دام
موانع حمایتی - پشتیبانی	۱	برنامه‌ها و سیاست‌های دولت از عدم حمایت لازم و کافی از عشایر
	۲	کمبود خدمات پشتیبانی و امنیتی برای عشایر
	۳	عدم عرضه مستقیم علوفه توسط دولت و عرضه آن توسط دلالان
	۴	عدم خرید تضمینی محصولات لبنی و گوشتی
	۵	خرید دام عشایر توسط دلالان
	۶	نبود صندوق حمایت از دامداران عشایر
	۷	نداشتن تضمین‌های مناسب برای دریافت وام
	۸	عدم صدور چهار چوپ پروانه چرای دام برای جوانان عشایر دامدار
	۹	عدم تحقق وعده‌های مسئولین در مورد حل مسایل عشایر و اشتغال آنها و نیز پروانه چرای دام‌ها
	۱۰	عدم نظارت و پیگیری مسئولان به برنامه‌های رفع مشکلات عشایر
	۱۱	سود بالا بر تسهیلات بانکی به عشایر
	۱۲	پایین بودن قیمت فرآورده‌های لبنی و گوشت به دلیل فروش آن به واسطه‌ها و دلالان
موانع آموزشی - مهارتی	۱۳	عدم حمایت دولت در پرداخت وام و تسهیلات با سود پایین برای عشایر
	۱	کمبود دانش، تخصص و مهارت فنی در در زمینه به نژادی دام و اصلاح نژاد
کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی (کمبود سیستم خدمات رسانی عشایری)	۲	عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه دامداری و بیماری‌های دام و... توسط مراکز خدمات کشاورزی و مراکز خدمات عشایری
	۱	نداشتن وسیله نقلیه برای نقل و مکان ار بیلاق به قشلاق و برعکس
	۲	کمبود حمام خورشیدی برای عشایر در منطقه بیلاقی لار
	۳	کمبود چراغ روشنایی در کنار چادرهای عشایر
	۴	کمبود سرویس‌های بهداشتی برای منطقه بیلاقی لار
	۵	کمبود خدمات درمانی و پزشکی به عشایر کوچنده
	۶	مشکل آب شرب در مناطق بیلاقی
۷	دوری منطقه بیلاقی به بازار فروش محصولات لبنی	

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی عبارت است از تلفیق و توأم کردن طبقات به وجود آمده برای شکل‌گیری اولیه چارچوب تحقیق. در این مرحله جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده‌اند دوباره با هم ترکیب می‌شود تا رابطه میان آنها قابل درک شود و سپس نمودار مربوط به آنها ترسیم می‌گردد که بایستی همپوشانی مباحث را در برگیرد (Francisa et al, 2008). کدگذاری انتخابی یعنی فرآیند انتخاب یک طبقه به عنوان طبقه اصلی و ربط دادن دیگر طبقات به آن طبقه که ایده اصلی این است که یک خط

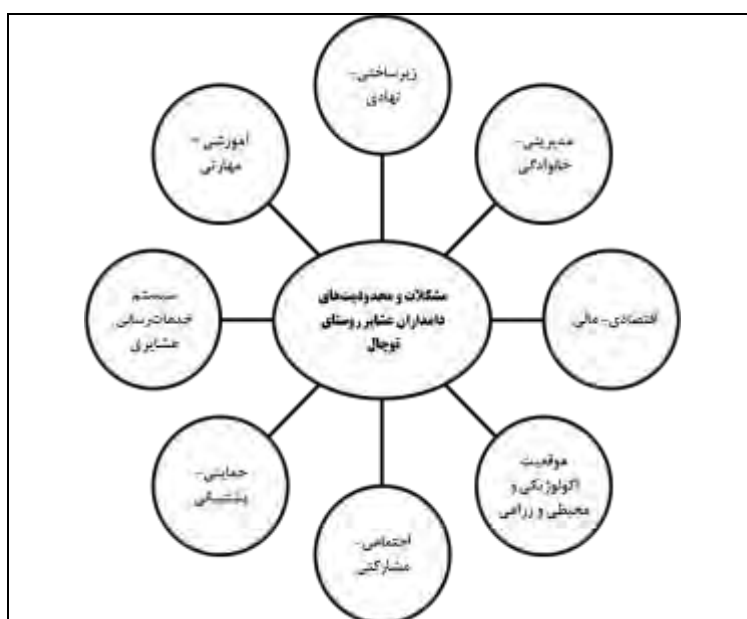
داستان^۱ پیرامون چیزی که همه چیز از آن ناشی می‌شود، به وجود آوریم. در این مرحله جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده بود، دوباره با هم ترکیب گردید تا مقوله‌ای که قادر است سایر طبقات یا مفاهیم را به یکدیگر ارتباط دهد، شناسایی شود و چارچوب مفهومی تحقیق به تدریج شکل گیرد (شکل ۱). آنچه در این مرحله اتفاق می‌افتد، در واقع تحلیل کل‌نگرانه بر فرآیندهایی است که در طول تحقیق رخ داده است و پژوهشگر براساس تمامی داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که خود در مسیر پربیج و خم پژوهش اندوخته، خط سیر داستان را دنبال می‌کند. داستان، به طور ساده توصیف خاصی است درباره پدیده‌ای اصلی که مطالعه می‌شود و خط سیر داستانی، مفهوم‌سازی چنین داستانی است (پاپ زن و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷۹).



شکل شماره (۱): نمود مقوله‌ها در کدگذاری انتخابی

طراحی و اعتبار مدل: نتیجه نهایی سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) و یادداشت برداری، تدوین مدل است که همان به تصویر کشیدن آنچه محقق توانسته از دل داده‌ها استخراج نماید (شکل ۲). در این مرحله مدل مفهومی تحقیق ترسیم می‌شود و تأیید نظر کارشناسان نیز به مدل اعتبار می‌بخشید. آخرین وظیفه محقق این است که آنچه را از این تصویر می‌بیند برای دیگران به تصویر کشد. در این مرحله به پرسش‌های محقق پاسخ داده می‌شود (البته می‌تواند منشأ پرسش‌های جدید نیز باشد). به کمک تئوری ساخته شده می‌توان فرضیه‌هایی تدوین کرد که پژوهش‌های بعدی به آزمون آنها بپردازند.

¹ Story Line



شکل شماره (۲): مدل مفهومی تحقیق

۵) نتیجه‌گیری

با وجود توانایی‌های جامعه عشایری رسیدگی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی جوامع عشایری و حل مشکلات و ارائه خدمات به آنها اهمیت زیادی دارد. براساس نتایج تحقیق، موانع مشارکتی-اجتماعی مانند عدم وجود تعاونی دامداران، مشارکت پایین دامداران عشایر در حل مشکلات عمومی به عنوان مشکلات دامداری عشایری توچال مطرح شده است. همگام با یافته‌های تحقیق صالحی (۱۳۸۳)، میرامینی (۱۳۸۴)، حسینی و اسفندیاری (۱۳۸۹) می‌بایست گام‌های اساسی بر حل موانع و محدودیت‌های مشارکت اجتماعی دامداران عشایر برداشته شود.

بررسی میزان تأثیرپذیری دامداران عشایر از رهبران افکار و کانال‌های ارتباطی شورای اسلامی ده، دهیاری منطقه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های هدفمند، نهاد ترویج کشاورزی جهت توسعه دامداری و بهبود زندگی عشایر و بررسی مسائل و مشکلات دامداران عشایر بیشترین کارایی را ایفاء نماید. بدیهی است که تأثیرپذیری از رهبران افکار منطقه به خاطر اعتباری که رهبران محلی و فنی و دامداران نمونه نزد دامداران دارند، کانال بسیار مؤثری برای حل موانع مشارکتی و اجتماعی محسوب می‌شود. نقش اثرگذار نهاد ترویج کشاورزی در منطقه جهت تقویت و جلب مشارکت اجتماعی دامداران عشایر با نهادها و سازمان‌های دامداری و روستایی و عشایری منطقه می‌تواند زمینه مناسبی جهت توسعه و بهبود زندگی عشایری و رفع مشکلات و محدودیت‌های آنها ایفاء نماید.

یکی از راهکارهای جلب مشارکت عشایر، عضویت در تعاونی‌های عشایری است که تشکیل تعاونی عشایری در سامان دادن به بازار عرضه تولیدات عشایر و نقش تعاونی‌ها در کوتاه شدن دست واسطه‌ها، تسریع در دستیابی تولیدات عشایر به بازار مصرف با قیمت ارزان‌تر، رشد و توسعه اقتصادی نیز نقش دارد. یکی از راهکارهایی که در توسعه زندگی عشایری و برطرف کردن موانع اجتماعی و اقتصادی نقش بسزایی دارد، توجه به توسعه و ترویج تعاونی‌های گردشگری عشایری است که در کشور ما با توجه به مسئله آداب و رسوم و فرهنگ و قبایل مختلف عشایر این سبک زندگی با همه تاریخ کهن‌اش به فراموشی سپرده نشود. در راستای حل موانع فرهنگی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شناساندن ابعاد مختلف زندگی ایلات و عشایر به اشکال موزه‌ای^۹ یادمانی و یا زنده و نمایشگاهی، برگزاری جشنواره فرهنگی، آئینی، علمی^{۱۰} پژوهشی مرسوم عشایر، نمایشگاه هنر و صنایع دستی تولیدات عشایری و معرفی خدمات و مفاخر عشایر برای دعوت توریست به کشور ضروری است.

مطابق تحقیق طغرابی و همکاران (۱۳۹۵) ترویج کارآفرینی در صنایع دستی عشایری در زنان با برپایی جشنواره زنان کارآفرین عشایر در سطح ملی و حمایت از زنان کارآفرین عشایر به عنوان عاملی مهم است. فراهم آوردن زمینه عرضه و فروش انواع تولیدات و صنایع دستی و هنری عشایر را هم نباید فراموش کرد. از این طریق می‌توان به وضعیت اقتصادی عشایر سامان داد و با جذب گردشگران ارز وارد کشور کرد.

مطابق یافته‌های تحقیق یکی از مشکلات عمده دامداران عشایر موانع اقتصادی- مالی است به طوری که افزایش قیمت علوفه توسط دامداران عشایر به عنوان مهم‌ترین مشکل مطرح شده است. در یافته‌های تحقیقات امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۰)، وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، ملک محمدی و شفیعی علویچه (۱۳۷۹)، صالحی (۱۳۸۳)، میرامینی (۱۳۸۴) مشکلات وضعیت اقتصادی عشایر مانند ناتوانی مالی بهره‌برداران و افزایش قیمت علوفه و نهاده‌های دامی بیان شده است. مطابق یافته‌های تحقیق ریسک‌پذیری پایین، نوسانات شدید قیمت محصولات دامی، پایین بودن سطح رفاه و درآمد خانواده نیز به عنوان موانع اقتصادی مطرح شده‌اند. در نتیجه معمولاً دامداران دارای رفاه اقتصادی بیشتر و درآمد بیشتر قابلیت بیشتری جهت مواجهه با ریسک‌های اقتصادی و مشکلات اقتصادی را در خود احساس می‌کنند. از این رو پیشنهاد می‌شود که دولت تمهیدات حمایتی-پشتیبانی از جمله اعطای وام و تسهیلات بلاعوض برای دامداران عشایر که درآمد کمتری دارند، خرید تضمینی محصولات لبنی، سیاست تثبیت قیمت‌ها محصولات دامی را بکار گیرد تا ریسک‌پذیری آنها بیشتر شود و در نتیجه میزان مقابله با موانع اقتصادی در آنها افزایش یابد.

یکی از موانع از دیدگاه دامداران عشایر، موانع زیرساختی و نهادی مانند مشکلات مسیر رفت و آمد دام‌ها و مسدود شدن مسیر کوچ دامداران در مسیر قشلاق- ییلاق و بر عکس است. بسیاری از مسیرهای عشایر کوچ‌نشین در بخش مرکزی تهران توسط نیوجرسی و سایر سامانه‌های جداکننده جاده مسدود شده است. علاوه بر این زیرگذرهای احداثی در بسیاری از بخش‌های جاده تهران- شمال نیز به دلیل عدم لایروبی، تردد دام را برای دامداران به امری دشوار و کوچ را به فعالیتی پرخطر برای عشایر زحمت‌کش در مسیر حفاصل مناطق ورامین و توچال تا لار بدل ساخته است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱). این یافته با یافته‌های تحقیق حیاتی (۱۳۷۰)، وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، امان‌اللهی بهاروند در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۶ که مشکل دامداران عشایر را مسدود شدن برخی از ایل راه‌ها به دلایلی از جمله گسترش شهرها و روستاها، قرار گرفتن در مناطق ممنوعه محیط‌زیست و یا پادگان‌های نظامی مطرح نمودند، همسان است. در میان موانع زیر ساختی- نهادی، کمبود یا فقدان کلینیک‌های درمانی و تخصصی دام در منطقه ییلاق و قشلاق، مشکل عدم دسترسی آسان به دامپزشک‌های متخصص، مشکل دسترسی و توزیع به موقع نهاده‌ها و داروهای دامی، کیفیت نامناسب و پایین برخی از مواد دارویی توزیع شده در میان دامداران عشایر نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. به‌طوری‌که بسیاری از مطالعات انجام گرفته (قنبری، ۱۳۶۱)، وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۱ و ۱۳۷۶)، ملک محمدی و شفیعی علویجه (۱۳۷۹)، صالحی (۱۳۸۳) کمبود دامپزشک و کمبود دارو و گرانی آن و بیماری‌های دام به عنوان یک مشکل اساسی مطرح شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که راهکارهایی از سوی دولت جهت برطرف کردن موانع زیرساختی- نهادی از طریق، توزیع نهاده‌ها و داروهای دامی سالم و باکیفیت میان دامداران و دسترسی آسان و توزیع به موقع، افزایش توزیع آسان و ارزان آنها میان دامداران عشایر، در نظر گرفته شود.

مطابق تحقیق یکی از مشکلات عمده دامداران عشایر موانع آموزش^۵ مهارتی مانند عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه دامداری و بیماری‌های دام توسط مراکز خدمات کشاورزی و مراکز خدمات عشایری و کمبود دانش، تخصص و مهارت فنی در زمینه به‌نژادی دام و اصلاح نژاد است که همسان با یافته‌های تحقیق امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۰)، وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، صالحی (۱۳۸۳)، میرامینی (۱۳۸۳) است.

با توجه به اینکه میزان آشنایی دامداران عشایر با خدمات ترویجی و آموزشی کم است و برخی هم اصلاً آشنایی ندارند و از خدمات ترویجی بهره‌مند نشده‌اند، از این رو، بایستی تمهیداتی در راستای آشنایی بیشتر دامداران عشایر با ترویج و خدمات ترویجی در زمینه دامداری و عشایر و توسعه روستایی مهیا گردد تا آنها به نقش و اهمیت ترویج و برنامه‌های آموزشی و کلاس‌های ترویجی در ارائه دانش و

اطلاعات مفید در زمینه دامداری و بیماری‌های دام، همچنین افزایش تولیدات و درآمد دامداران پی‌ببرند و به شرکت در برنامه‌ها و خدمات ترویجی ترغیب شوند.

متخصصان ترویج کشاورزی با آگاهی کامل نسبت به شرایط اجتماعی، اقتصادی عشایر این منطقه و آگاهی از نتایج تحقیقاتی و نیز آشنایی با روش‌های برقراری ارتباط با بزرگان و دامدارن نمونه و رهبران فنی و محلی می‌توانند با انتقال اطلاعات لازم در زمینه کاهش موانع و مشکلات عشایر دامدار روستای توچال نقش مهمی داشته باشند. جهت اثرگذاری بر ارتباط مؤثر دامداران عشایر با مروجان جهت ارتقاء توانایی‌های حرفه‌ای در زمینه دام و بیماری‌های دام و زندگی کوچ نشینی و اقتصاد عشایر و مدیریت اقتصاد خانه‌داری برای روستاییان و دامداران عشایر، ارائه دوره‌های آموزشی و ترویجی با هدف انتقال هر بیشتر فناوری‌های جدید، ایجاد بسترهای لازم جهت جلب مخاطبان به شرکت در دوره‌های ترویجی و آموزشی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ایجاد مشوق‌های انگیزش‌بخش به دامداران منطقه توچال، جهت تقویت حضور در جلسات آموزشی و تقویت محتوای آموزش‌ها مطابق مسائل و چالش‌های مطرح در زندگی دامدای عشایری و کوچ‌نشینی توصیه می‌شود.

مطابق با یافته‌های تحقیق موانع حمایتی - پشتیبانی مانند کمبود خدمات پشتیبانی و امنیتی برای عشایر، عدم خرید تضمینی محصولات لبنی و گوشتی مشکلات مربوط به دلان، عدم تحقق وعده‌های مسئولان در مورد حل مسایل عشایر مانند پروانه چرای دام، عدم حمایت دولت در پرداخت وام و تسهیلات با سود پایین برای عشایر با توجه به آسیب‌پذیر بودن آنها شرایط نامنی را برای دامداران عشایر ایجاد کرده است. بدین‌سان، ارائه خدمات حمایتی و پشتیبانی دولت مانند حذف واسطه‌گران و دلان، خرید تضمینی محصولات، صدور پروانه چرا برای دامداران بدون پروانه، حمایت دولت در پرداخت وام و تسهیلات با سود پایین و با تضمین‌های مرتبط با آنها، نظارت و پیگیری مسائل و مشکلات دامداران عشایر توصیه می‌شود.

بر اساس نتایج تحقیق بیشتر کمبود امکانات زیربنایی و رفاهی و ارتباطی مانند نداشتن وسایل نقلیه برای رفت و آمد، کمبود چراغ روشنایی، امکانات بهداشتی، آب شرب، مشکلات بازار فروش محصولات لبنی در میان عشایر دامدار منطقه توچال در زمان کوچ و زندگی در منطقه ییلاقی لار قابل مشاهده است. پیشنهاد می‌شود از سوی دولت امکانات و تسهیلات بیشتری جهت رفاه زندگی دامداران عشایر و خانواده‌هایشان که نقش بسزایی در توسعه اقتصاد کشور ایفا می‌نمایند، ارائه گردد.

از دیگر موانع مدیریتی در زندگی عشایر موانعی مانند مهاجرت جوانان از روستا به شهر به دلیل ادامه تحصیلات، تغییر معیشت و اسکان عشایر، عدم رغبت جوانان روستایی از شغل پدر، نیاز به نیروی کار خانوادگی زیاد و همکاری همه اعضای خانواده، عدم توانایی دامدار در نگهداری دام به خاطر کهولت سن

دامدار و گرفتن چوپان بوده که مطابق با یافته‌های وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۱ و ۱۳۷۶) و صالحی (۱۳۸۳) است. اگرچه برای دو مورد آخر راهکارهای جایگزینی برای رفع مشکل وجود دارد ولی به نظر می‌رسد برای سه مورد اول می‌بایست برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی اساسی صورت گیرد تا این عوامل منجر به حذف زندگی کوچ‌نشینی و دامداری عشایری نگردد و طوری نشود که آیندگان با واژه عشایر و کوچ بیگانه شوند و این واژگان به تاریخ بپیوندند.

۶ منابع

- ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور، صلصالی، مهوش (۱۳۹۲)، **روش‌های تحقیق کیفی**، نشر و تبلیغ بشری، ۲۹۰ صفحه.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰)، **کوچ‌نشینی در ایران**. انتشارات آگاه، تهران.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۱)، **مسائل و مشکلات کنونی کوچ‌نشینان**، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۸، صص ۱۳۰-۱۱۹.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۶)، **مسائل و مشکلات کوچ‌نشینان (عشایر) از دیدگاه جامعه‌شناسی**، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایری ایران، تهران.
- انجمن پایشگران محیط‌زیست ایران (پاما) (۱۳۸۶)، **پارک‌های ملی خجیر و سرخه حصار و منطقه حفاظت‌شده جاجرود**. قابل دسترس در:
http://payeshgaran.info/?csrf_seed=1486131162&csrf_1486131162=da63fc796f&part=search&search=%D9%BE%D8%A7%D8%B1%DA%A9+%D9%87%D8%A7%DB%8C+%D9%85%D9%84%DB%8C+%D8%AE%D8%AC%DB%8C%D8%B1+%D9%88+%D8%B3%D8%B1%D8%AE%D9%87+%D8%AD%D8%B5%D8%A7%D8%B1+%&x=0&y=0
- پاپزن، عبدالحمید (۱۳۸۲)، **طراحی مدل تلفیقی دانش بومی و رسمی به منظور دستیابی به رهیافتی سامانه‌ای مشارکتی در شهرستان کرمانشاه**، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- پاپزن، عبدالحمید، افشارزاده، نشمیل (۱۳۸۹)، **سازوکارهای بومی مدیریت مرتع عشایر کوچنده ایل کلهر**. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۱۷- شماره ۳، صص ۴۸۸-۴۷۶.
- حسینی، مریم، اسفندیاری، علی (۱۳۸۹)، **بررسی توانمندی‌ها و مشکلات زنان و دختران عشایر ایل هداوند (مطالعه موردی: منطقه ورامین)**، انسان‌شناسی و فرهنگ. قابل دسترس در:
<http://anthropology.ir/node/8115>
- حیاتی، ابراهیم (۱۳۷۰)، **چشم اندازی به فردای زندگی عشایر**. مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، سازمان امور عشایری ایران، تهران.
- خیرگزاری اقتصادی ایران (۱۳۸۸)، **عشایر ۴۰ درصد گوشت استان تهران را تولید می‌کند**، کد خبر: ۱۰۷۴۴۸، تاریخ خبر: ۱۳۸۸/۰۴/۲۶، قابل دسترس در: <http://www.econews.ir/fa/news/>
- خیرگزاری فارس (۱۳۹۱)، **دامداری بخش مرکزی تهران از بین رفته است**. شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۱. قابل دسترس در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910111000300>
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴)، **تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی**، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم شماره ۱۱، صص ۷۱-۵۷.

- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری (۱۳۸۱)، برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی و تعدیل اثرهای خشکسالی، تهران، مؤسسه توسعه روستایی.
- شوکت فدایی، محسن، سندگل، عباس (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر مدیریت دام و مرتع، انتشارات دفتر طرح و برنامه‌ریزی و امور پژوهش وزارت جهاد سازندگی سابق. ۱۹۹ صفحه.
- فروزان، حسین (۱۳۹۳)، رسیدگی و رفع موانع و تأمین امنیت عشایر. پایگاه خبری تحلیلی مرزداران. ۱۷ مهر ۱۳۹۳، شماره خبر: ۱۸۴۱۹۱. قابل دسترس در:
<http://marzadaran.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=36&pageid=602&newsview=184191>
- قنبری، علی (۱۳۶۱). بهره‌وری در نظام دامداری عشایری. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۹-۸، صص ۸۹-۶۲.
- صالحی، اصغر (۱۳۸۳)، موانع و مشکلات طرح انتقال دامداری‌ها به خارج شهرها و ارائه راهکارهای مناسب در استان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۲۵)، صص ۱۱۱-۷۹.
- ضیاء توانا، محمدحسن، توکلی، جعفر (۱۳۸۶). اسکان عشایر، تخریب مراتع در استان چهارمحال بختیاری: مطالعه موردی شهرک‌های عشایری شرمک، چلگرد و لستر. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۲-۶۲.
- ضیائی‌ان، پرویز، صالح‌پور، شمس، داوردان، بابا (۱۳۹۵)، تحلیل سطوح سرمایه‌گذاری خدماتی و عمرانی در جامعه عشایری استان آذربایجان غربی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۵، شماره ۱۷، صص ۸۴-۷۱.
- طغرای، محمدتقی، رضوانی، مهران، مبارکی، محمدحسن، یداللهی فارسی، جهانگیر، میرزایی، زینب (۱۳۹۵)، شناسایی عوامل محیطی مؤثر بر کارآفرینی فرهنگی در صنایع دستی عشایری، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۳۶-۱۹.
- کرسول، جان، دبلیو (۲۰۰۹)، مترجم: کیامنش، علیرضا و مریم دانای طوس. طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی. ۴۲۰ صفحه، بهار ۱۳۹۱.
- ملک محمدی، ایرج، شفیعی علویچه، علی (۱۳۷۹)، تفاهم‌سنجی عشایر و مسئولان اجرایی، آموزشی، ترویجی و پژوهشی نسبت به مشکلات امور دام و منابع طبیعی در استان اصفهان. مجله علوم آب و خاک - علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی ° جلد چهارم، شماره دوم، صص ۵۷-۴۳.
- میر امینی، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی روش‌های بیمه دام در مناطق عشایری استان سیستان و بلوچستان، مدیر کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان و کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، ۱۱ صفحه. قابل دسترس در:
www.sbkiran.ir/sites/default/files/19.pdf
- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۲)، نگرشی بر نظام بهره‌برداری از مراتع ایران، قسمت چهارم: بررسی جامعه نمونه عشایر کوچ‌روایل قشقایی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، مرکز نشر و تصویر، گروه پژوهشی و تخصصی، تهران.
- Creswell. J.W (1994), **Research design (qualitative & quantitative approaches)**. SAGE Publications. International educational and professional publisher Thousand Oaks London New Delhi.
- Chandrasekhar, K., Rao, K.S., Maikhuri, R.K. and Saxena, K.G (2006), **Ecological implications of traditional livestock husbandry associated land use practices: A case study Himalaya, India**. Environments. Vol. 69, Issue 2, PP. 299° 314.
- Dehaan, C., Stainfeld, H. and Blackboard, H (1997), **Livestock and Environment- Finding a Balance**. Commission of the European Communities, the World Bank
- and the governments of Denmark, France, Germany, The Netherlands. United Kingdom and The United States of America. pp.186.

- Francisa, K. Millsa J. and Bonner, A (2008), **Getting to Know a Stranger-Rural Nurses Experiences of Mentoring: A Grounded Theory**, International Journal of Nursing Studies, Vol.45, pp. 599-607, available at: www.sceincedirect.
- Sansousy, R. (1995), **better feed for animals. More food people**, World Animal review, 82 (1).
- Stainfeld, H and Mack, S (1995), **Livestock development strategies**, World animal review, Vol.84/85 , No. 3-4, pp. 18 ° 24.

